



## أَيْنَ الزَّادُ يَا مَسَافِرُ؟

□ يا هذا\*، عَقْلُكَ يَدْعُوكَ إِلَى التَّوْبَةِ وَهَوَاكَ\* يَمْنَعُ وَالْحَرْبُ بَيْنَهُمَا. فَإِنْ  
جَهَّزْتَ جَيْشَ عَرْمٍ، فَرَّ الْعَدُوُّ.  
تَسْوِي\* قِيَامَ اللَّيْلِ فَتَنَامُ\* وَتَحْضُرُ مَجْلِسَ الْوُعْظِ فَلَا تَبْكِي، ثُمَّ تَقُولُ: مَا  
السَّبَبُ؟! ﴿قُلْ: هُوَ مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِكُمْ﴾  
عَصَيْتَ بِالنَّهَارِ فَنِمْتَ بِاللَّيْلِ. أَكَلْتَ الْحَرَامَ فَأَظْلَمَ\* قَلْبُكَ.



إِذَا غَيَّرَ الْمِسْكُ \* الْمَاءَ مُنِعَ الْوُضُوءُ، فَكَيْفَ بِالتَّجَاسَةِ؟!  
 □ أَكْثَرُ فَسَادِ الْقَلْبِ مِنْ تَحْلِيظِ \* الْعَيْنِ. مَا دَامَ بَابُ الْعَيْنِ مُحْكَمًا بِالْغَضِّ \*  
 فَالْقَلْبُ سَلِيمٌ مِنْ آفَةٍ. فَإِذَا فُتِحَ الْبَابُ طَارَ طَائِرٌ وَرُبَّمَا لَا يَعُودُ.  
 □ وَاعْجَبَا \* عَلَيْكَ! تَعُدُّ \* التَّسْبِيحَ سُبْحَةً \*. فَهَلَا جَعَلْتَ لِعَدِّ الْمُعَاصِي سُبْحَةً  
 أُخْرَى؟! يَا مَنْ يَخْتَارُ الظَّلَامَ عَلَى الضَّوِّ. الدُّبَابُ \* أَعْلَى هِمَّةً مِنْكَ. إِذَا أَظْلَمَ الْبَيْتُ  
 خَرَجَ الدُّبَابُ إِلَى الضَّوِّ.

□ عَلَيْكَ بِتَدْيِيرِ دِينِكَ كَمَا دَبَّرْتَ دُنْيَاكَ. لَوْ عَلِقَ \* ثَوْبُكَ بِمِسْمَارٍ \* رَجَعْتَ  
 إِلَى الْوَرَاءِ لِتَحْلِيصِهِ \*. هَذَا مِسْمَارُ الْإِصْرَارِ قَدْ تَشَبَّثَ \* بِقَلْبِكَ. فَلَوْ عُدْتَ إِلَى النَّدَمِ  
 خُطَوَتَيْنِ \* تَخَلَّصْتَ.

لَا بُدَّ مِنْ عَزْمٍ يُؤْخَذُ بِالْحَرَمِ. مَنْ رَقَّ \* لِبُكَاءِ الطِّفْلِ لَمْ يَقْدِرْ عَلَى فِطَامِهِ \*.  
 □ الْمُعَاصِي سُمٌّْ وَالْقَلِيلُ مِنْهُ يَقْتُلُ. الدُّنْيَا وَرَاءَكَ وَالْأُخْرَى أَمَامَكَ. وَالطَّلَبُ  
 لِمَا وَرَاءَكَ هَزِيمَةٌ.

□ وَيَحَكَ \*! دَعْ مَحَبَّةَ الدُّنْيَا، فَعَابِرِ السَّبِيلِ لَا يَتَوَطَّنُ \*.  
 وَاعْجَبَا! تَضِيْعُ مِنْكَ حَبَّةٌ \* فَتَبْكِي وَقَدْ ضَاعَ عُمْرُكَ وَأَنْتِ تَضْحَكُ. انْقَضَى  
 الْعُمْرُ فِي خِدْمَةِ الْبَدَنِ وَحَوَائِجِ الْقَلْبِ كُلِّهَا وَاقِفَةٌ.  
 □ وَاللَّهِ لَيْسَ إِخْوَةُ يُوسُفَ لَمَّا بَاعُوا يُوسُفَ بِشَمَنِ بَخْسٍ أَعْجَبَ مِنْكَ؛ لَمَّا  
 بَعَتْ نَفْسَكَ بِمَعْصِيَةِ سَاعَةٍ.

جَسَرْتَ عَلَى الْمُعَاصِي فَانْقَلَبْتَ عَلَى «الْجِيمِ» النُّقْطَةُ.  
 أَيُّهَا الْمَسَافِرُ بِلَا زَادٍ، لَا رَاحِلَةَ \* وَلَا جَوَادَ \*.  
 أَيُّهَا الزَّارِعُ، قَدْ آنَ الْحِصَادُ \*.

## البلاغة (۳) علم البديع «الجناس، الطباق والسجع»

دانستیم که :

- علم معانی به معنای جمله و مطابقت آن با حال مخاطب می پردازد.
- علم بیان از شیوه‌های مختلف برای اظهار یک معنای واحد، بحث می کند.

اما در **علم بديع** با شیوه‌های تحسین (زیباسازی) کلام آشنا می شویم. این محسنات، برخی به لفظ و برخی به معنی مربوط است.

### الف) مُحسنات لفظی

#### ۱- الجناس

به عبارات فارسی زیر توجه کنید :

- برادر، که در بند خویش است، نه برادر، نه خویش است.
- بهرام که گور می گرفتی همه عمر دیدی که چگونه گور بهرام گرفت

چه کلماتی دو بار تکرار شده‌اند؟

آیا کلمات مشترک، معنای واحدی نیز دارند؟

این زیبایی لفظی در علم بديع، «جناس» نام دارد.

در جناس، حروف دو کلمه از یک جنس است ولی هر کدام برای خود معنای خاصی دارند.

﴿وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُقْسِمُ الْمُجْرِمُونَ مَا لَبِثُوا \* غَيْرَ سَاعَةٍ﴾  
روزی که قیامت برپا شود، بدکاران سوگند می خورند که جز ساعتی درنگ نکردند.

با توجه به ترجمه آیه کریمه،  
جناس را معین کنید :

به این نوع جناس که دو کلمه در عدد، حرکات، نوع و ترتیب حروف، یکسان هستند «جناس تام» می گویند.

اکنون در این آیه کریمه  
«جناس» را معین کنید :

﴿وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَاضِرَةٌ إِلَىٰ رَبِّهَا نَاطِرَةٌ﴾  
در آن روز چهره‌هایی شاداب‌اند، به سوی  
پروردگار خود می‌نگرند.

گاهی تجانس دو کلمه در عدد، حرکت، نوع و ترتیب حروف، کامل نیست. به این  
نوع جناس «جناس ناقص» می‌گویند.

## ۲- السَّجْع

به عبارات فارسی زیر توجه کنید :

هنر چشمه زاینده است و دولت پاینده .

باران رحمت بی حسابش همه را رسیده و خوان نعمت بی دریغش همه جا کشیده .

— عبارات فوق را برای بار دوم و سوم نیز بخوانید .

— آیا در خواندن آن شیرینی احساس نمی‌کنید؟

این شیرینی و زیبایی، ناشی از انسجام و تعادل هندسی  
کلمات است.

این فن در علم بدیع «سجع» نامیده می‌شود.

سجع، توافق کلمات آخر جمله‌ها در کلام، بر حرف یا  
حروفی واحد است. که در قرآن کریم به آن «فاصله» گویند.

﴿إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ ۝

فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ ۝

إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ ۝﴾

بدانیم

### الطَّبَاق

به آیه کریمه توجه کنید :

﴿جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ﴾

- دو کلمه «الحق» و «الباطل» را از جهت معنی با یک دیگر مقایسه کنید.
- چه ارتباطی بین دو کلمه وجود دارد، شباهت یا تضاد؟

### بدانیم

یکی از زیبایی های کلامی، به کاربردن کلماتی است که با یک دیگر «متضاد» اند. به این فن در علم بدیع «طَبَاق» می گویند.

مانند: ﴿هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ﴾  
﴿فَعِنْدَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ﴾

## خلاصه :

- ۱- تمامی قواعدی را که می‌آموزیم، در خدمت فهم و ترجمه عبارت‌ها قرار دهیم.
- ۲- برای ترجمه دقیق به زمان جمله‌ها، ضمایر، اسم‌های اشاره و مرفوعات و منصوبات موجود در جمله دقت کنیم.
- ۳- ترجمه‌هایمان را همیشه روی کاغذ بنویسیم و آن را اصلاح کنیم.
- ۴- برای یادگیری ترجمه، روش ترجمه تحت اللفظ روان را مد نظر قرار دهیم.



متن زیر را بخوانید و پس از پاسخ دادن به سوالات، آن را ترجمه کنید :

﴿فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ﴾ (الزلزله/۸)  
جاءت الآية الكريمة في الحث على عمل الخير مهما قل وصغر، والاجتناب عن  
عمل الشر مهما قل وصغر.

إن المرء يجد جميع ما عمله من خير وشر حاضراً أمامه.

﴿ووجدوا ما عملوا حاضراً ولا يظلم ربك أحداً﴾ (الكهف/ ۴۹)

فينبغي للمسلم أن يجتنب المعصية مهما صغرت؛ لأنه ربما اقترنت بغضب الله -  
جلّ جلاله- والخسران المبين. وكذلك ينبغي له أن يقوم بعمل الخير وإن كان بسيطاً،  
لأنه ربما اقترن بالقبول فيفوز بذلك العامل ويقرب إلى رضوان الله. «إن شاء الله»



## أسئلة :

□ معنی المفردات :

- |              |         |               |               |
|--------------|---------|---------------|---------------|
| الف - الحث : | برهیز   | ○ تشویق       | ○ مقدار       |
| ب - مهما :   | اما     | ○ هر وقت      | ○ هر چند      |
| ج - ينبغي :  | دور است | ○ بی نیاز است | ○ شایسته است  |
| د - العامل : | کارگر   | ○ فاعل        | ○ انجام دهنده |

□ عین الصحیح :

- في إجتناّب المعصية : الخسران المبين ○ غَضَبُ اللَّهِ ○ اتَّقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ ○

□ عین الخطأ :

- عمل الخير مقبول... .. ○ وإن كان بسيطاً ○ مهما قل ○ ولو كان ظملاً ○



### التمرين الأول

عَيِّنِ الجِنَاسَ و اذْكُرْ نوعَهُ. (التام أو الناقص) :

- ١- ﴿فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ\* وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ\*﴾
- ٢- الْجَهْلُ يُزِلُّ\* الْقَدَمَ وَيُورِثُ النَّدَمَ.
- ٣- دَوْلَةُ الْبَاطِلِ سَاعَةٌ وَ دَوْلَةُ الْحَقِّ حَتَّى قِيَامِ السَّاعَةِ.
- ٤- وَرَدَ الرِّبْعُ فَمَرْحَبًا بِوُرُودِهِ\* وَ بِنُورِ بَهْجَتِهِ وَ نُورِ وُرُودِهِ\*



### التمرين الثاني

عَيِّنِ الطَّبَاقَ :

- ١- ﴿إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا\*﴾
- ٢- ﴿اللَّهُمَّ ... تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَ تَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَ تُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَ تُدِلُّ مَنْ تَشَاءُ\*﴾
- ٣- مَرَارَةُ\* الدُّنْيَا حَلَاوَةٌ الْآخِرَةِ وَ حَلَاوَةُ الدُّنْيَا مَرَارَةُ الْآخِرَةِ.
- ٤- حَقٌّ يَضُرُّ خَيْرٌ مِنْ بَاطِلٍ يَسُرُّ.



### التمرين الثالث

عَيِّنِ السَّجْعَ :

- ١- مَنْ سَمِعَ إِلَى النَّصِيحَةِ سَلِمَ مِنَ الْفُضِيحَةِ\*.
- ٢- أَلْعَقْلُ زِينَةُ الْإِنْسَانِ وَ الصِّدْقُ أَمَانَةُ اللِّسَانِ.
- ٣- أَطِغْ أَخَاكَ وَ إِنْ عَصَاكَ وَ صِلْهُ وَ إِنْ جَفَاكَ.
- ٤- إِنْ لِلتَّقْوَى عِلَامَاتٍ : الْخَوْفُ مِنَ الْجَلِيلِ وَ الْعَمَلُ بِالتَّنْزِيلِ وَ الْقَنَاعَةُ بِالْقَلِيلِ وَ الْإِسْتِعْدَادُ لِيَوْمِ الرَّحِيلِ\*.

أجب عن الأسئلة :

- قال حكيمٌ لشخصٍ يستكثر من العلم ولا يعمل به : يا أخي، إذا أفنيت  
عمرَكَ في جمعِ السِّلَاحِ فَمَتَى تُقَاتِلُ؟  
١- هل يُفيدُ العلمُ دونَ العملِ به؟  
٢- بِمَ شُبِّهَ العلمُ؟  
٣- شَكَّلَ ما أُشير إليه بخطّ :

للإعراب و التحليل الصرفي (على حسب ما قرأناه من القواعد حتى الآن) :

﴿ إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ ﴾

الكلمة	التحليل الصرفي	الإعراب
إِنَّ		
نَا		
أَعْطَيْنَا		
كَ		
الـ		
الْكَوْثَرَ		

عينُ المُرادف والمُضادّ : (=, ≠)

نام ...	إِسْتَيْقَظَ	الهزيمة ...	النَّجَاحُ	ضاع ...	وُجِدَ
الثَّمن ...	القيمة	الوَرَى ...	النَّاسُ	الثَّياب ...	المَلَابِيسُ
السُّرور ...	الفرح	الحياة ...	المَوْتُ	صاح ...	صَرَخَ
المهزوم ...	الفاتر	الرَّحمة ...	السَّفَقَة	السَّهْل ...	الصَّعْبُ



## الصورة البهائية في القرآن الكريم

### «وصل و فصل»

متکلم بلیغ هنگام سخن گفتن بر دو نکته آگاه است: اولاً، می داند که چه می خواهد بگوید و قصد او از عباراتی که ادا می کند چیست؟ ثانیاً، برخی علوم ادبی را می داند و بعضی مسائل نحوی و بلاغی را می شناسد، آنگاه با رعایت این دو، سخن خود را بر زبان می آورد. در چنین حالتی متکلم باید بداند که سخن خود را کجا به عبارت قبل «وصل» کند و در کجا «فصل».

در زبان عربی (بر خلاف فارسی) اصل بر این است که جملات، تا آن جا که ممکن است، به وسیله یکی از حروف عاطفه به یکدیگر «متصل» باشند.

ولی گاهی به عللی بلاغی این کار صورت نمی گیرد و بین جملات به جای «وصل» حالت «فصل» برقرار می شود. به آیات زیر توجه کنیم:

﴿فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا، إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا﴾

در این جا جمله دوم به جمله اول «وصل» نشده است، زیرا آیه دوم تأکیدی است برای جمله اول؛ بنابراین نیازی به عطف کردن نداشته است.

﴿لَا يَخْرُجُكَ قَوْلُهُمْ، إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا﴾

در این جا نیز به خاطر آن که جمله دوم خبریه<sup>۱</sup> است و جمله اول نهی و إنشاء، بدین سبب مناسبتی برای عطف کردن آن ها به یک دیگر وجود ندارد.

﴿إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ، وَإِنَّ الْفُجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ﴾

هر دو جمله خبریه هستند و میانشان از این جهت، تناسب وجود دارد. بدین سبب به وسیله «و» بر یک دیگر عطف شده اند.

﴿وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا﴾

هر دو جمله انشائیّه هستند (یکی امر و دیگری نهی) از این رو به واسطه «و» بر یک دیگر عطف شده اند.

\*\*\*

در آیات ذیل علت «فصل» و «وصل» را مشخص کنید:

– ﴿تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ﴾

در نیکوکاری و پرهیزکاری با یکدیگر همکاری کنید نه در گناه و تجاوز.

– ﴿أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَلَا إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ﴾

بدانید که هرچه در آسمان ها و زمین است از آن خداست. آگاه باشید که وعده خدا حق است.

﴿وَلَنَنْتَظِرُ نَفْسَ مَا قَدَّمْتُمْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ﴾

و هر کس، باید بنگرد که برای فردایش چه فرستاده است و از خدا بترسید که خدا به کارهایی که می کنید آگاه است.

۱- جمله یا «خبریه» است و یا «انشائیّه». جمله های انشائیّه عبارت اند از: امر، نهی، استفهام، ندا و...

باتوانایی بر سه موضوع «ترجمه»، «قواعد»، «بلاغت» به اهداف مورد نظر در آموزش زبان قرآن ناآشنا می شویم!

علمای بلاغت گفته اند: البلاغة هي معرفة الفضل والوصل!



إقرأ الدعاء التالي و ترجمه إلى الفارسيّة :

اللّهُمَّ ارزُقنا تَوْفِيقَ الطّاعَةِ وَبُعْدَ المَعْصِيَةِ وَصِدْقَ النّيَّةِ وَعِرْفانَ الحُرْمَةِ  
وَأَكْرِمنا بِالهُدَى وَالِاسْتِقَامَةِ ... وَاَمْلأ قُلُوبنا بِالْعِلْمِ وَالْمَعْرِفَةِ وَطَهِّرْ بَطُوننا  
مِنَ الحَرَامِ وَالشُّبْهَةِ ... وَاغْضُضْ أَبْصارنا عَنِ الفُجُورِ وَالْخِيَانَةِ وَتَفَضَّلْ  
عَلَى عُلَمائنا بِالزُّهْدِ وَالنَّصِيحَةِ وَعَلَى الْمُتَعَلِّمِينَ بِالْجُهِدِ وَالرَّغْبَةِ ... وَعَلَى  
مَسايِخِنا بِالْوَقارِ وَالسَّكِينَةِ وَعَلَى الشَّبَابِ بِالْإِنابَةِ وَالتَّوْبَةِ وَعَلَى النِّسَاءِ  
بِالْحَياءِ وَالْعِفَّةِ وَعَلَى الْأَغْنِياءِ بِالتَّواضُعِ وَالسَّعَةِ ... وَعَلَى الْأُمراءِ بِالْعَدْلِ  
وَالشَّفَقَةِ ... بِفَضْلِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

\*\*\*

مشايخ : ج مشيخة و شيخ؛ سال خوردگان

السعة : گشاده دستی

الفجور : گناه